

## مدیریت سلامت شهری اصفهان با تأکید بر بیمارستان‌ها از نگاه مطبوعات محلی

عبدالمهدی رجائی<sup>۱</sup>، مرتضی نورائی<sup>۲</sup>، لقمان دهقان نیری<sup>۲</sup>

### چکیده

از مؤسسات مهم شهر که با جان شهروندان ارتباط مستقیم دارد، بیمارستان‌ها هستند. این مقاله مروری بر چگونگی تأسیس و برپایی بیمارستان‌های جدید شهر اصفهان است که داستان را از اواخر عصر قاجار آغاز کرده، در دوره‌ی مشروطه مکثی نموده و در عصر رضا شاه به طور مفصل، پایه‌گذاری بیمارستان‌های مهم شهر را به تصویر می‌کشد. منابع این مقاله بر مبنای اخبار و مطالب روزنامه‌ها می‌باشد. آشکار است مراجعه به این نوع منابع برای نشان دادن فضای واقعی حاکم بر وضعیت بهداشتی-درمانی شهر و نیز انعکاس سخن روزنامه‌نگاران، یعنی شهرنشینان که مخاطبین و نیازمندان این مؤسسات هستند، برای تبیین تصویر واضح‌تری از اوضاع مفیدتر به نظر می‌رسد، تا مراجعه به اسناد و گزارش‌های خشک اداری که ماجرا را فقط از دید اولیای امور دیده‌اند. تا سال ۱۳۲۰ هجری شمسی تعداد شش بیمارستان در اصفهان راه‌اندازی شد که تعدادی به وسیله‌ی بخش خصوصی و تعدادی دیگر به وسیله‌ی بخش نیمه خصوصی (شهرداری‌ها و هیأت‌های مذهبی) بر پا گردیدند. میزان مشارکت بخش دولتی نیز در حد حمایت و تشویق بود. نظام نوسازی شهری، بالا رفتن سطح سلامت جامعه در عصر رضا شاه و مشارکت بخش‌های مختلف خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی در این دوره موجب گردید تا نیازهای بیمارستانی شهر اصفهان در عصر رضا شاه تا حدودی مرتفع گردد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سلامت؛ بیمارستان‌ها؛ روزنامه‌ها

نوع مقاله: مروری

پدیرش مقاله: ۹۱/۲/۱۷

اصلاح نهایی: ۹۰/۱۰/۱۳

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۹

ارجاع: رجائی عبدالمهدی، نورائی مرتضی، دهقان نیری لقمان. مدیریت سلامت شهری اصفهان با تأکید بر بیمارستان‌ها از نگاه مطبوعات محلی. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۱؛ ۹ (۴): ۵۹۳-۵۸۰.

### مقدمه

شاید فرق اساسی میان مدیریت قدیم و جدید درمان، به میدان آمدن همین استانداردها بود. در نظام مدیریت جدید درمان، مؤسسات و ادارات عمومی و دولتی به طور رسمی متولی امر بهداشت و درمان شهر شدند. اداراتی مثل اداره‌ی صحتیه که بعدها به اداره‌ی بهداشتی تغییر نام داد و البته مهم‌تر و قوی‌تر از همه نهاد بلدییه بود که بهداشت و درمان کل شهر را پس از مشروطیت (سال ۱۳۲۴ هجری قمری) بر عهده

بی‌گمان شهر اصفهان در قرون طلایی خویش، هم چون عصر سلاجقه و صفویه واجد بیمارستان‌های بزرگی بوده است، اما آن چه قرون جدید را از آن دوران جدا می‌کند، ورود طب جدید به صحنه است. حضوری که به طور تقریبی تمام مراحل و ایستگاه‌های درمان (هم چون بیمارستان‌ها) را تحت تأثیر خود قرار داد. ورود دانش جدید طب فقط در این خلاصه نمی‌شد که به جای گیاهان دارویی، جوهریات به مردم داده شود، بلکه نگاه مردم را به بدن خویش مورد تجدید نظر قرار داد و علاوه بر آن استانداردهایی را برای تأسیسات درمانی مثل بیمارستان‌ها تعریف کرد.

۱- دانشجوی دکتری، تاریخ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده‌ی مسؤل)

Email: m1350323@yahoo.com

۲- دانشیار، تاریخ، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران

و در روزنامه‌ی «اطلاعات» در تاریخ شهریور ۱۳۰۷/ سپتامبر ۱۹۲۸ به چاپ رسید. نویسنده در ابتدای سخن آورد: "صحت و سلامتی ساکنین هر شهر مرهون حُسن اداره‌ی بلدیة آن شهر می‌باشد. هر قدر بلدیة شهر نسبت به تنظیف معابر و بالتبجیه حفظ الصحه‌ی عمومی بیشتر دقیق باشد، سلامتی و صحت مردمان شهر بیشتر تأمین و به دوام زندگی آن‌ها کمک شده است". نویسنده در ادامه از بلدیة تهران می‌خواهد نسبت به ساخت چند «مستراح عمومی» در خیابان‌های تهران اقدام نماید. جالب است که در همین شماره مقاله‌ای راجع به فواید «نظافت دندان» نیز دیده می‌شود. به خوبی آشکار است که تا آن زمان هیچ کس راجع به نظافت شهرها انتظاری از دولت‌ها و حکومت‌ها نداشت، بلکه در این دوره بود که موضوع بهداشت و درمان مورد توجه زیاد قرار گرفته و فرد و جامعه و در کنار آن دولت‌ها خود را عهده‌دار رعایت آن دیدند. به همین اعتبار بود که بلدیة اصفهان در این زمان از جمله امور غسال‌خانه‌ها، قصابی‌ها، مغازه‌های خوراکی‌پزی، حمام‌ها، یخچال‌ها، دباغی‌ها و کلیه‌ی موضوعات بهداشت محیط را نظام‌مند کرده و سر و سامان داد (۱).

### شرح مقاله

#### منابع پژوهش

این پژوهش بیشتر بر روزنامه‌های منتشر شده در دوره‌ی مورد مطالعه اتکا دارد. عصر مشروطه در شهر اصفهان روزنامه‌ی «انجمن مقدس ملی» و روزنامه‌ی «جهاد اکبر» اخبار شهری را به خوبی انتشار می‌دادند. نیم‌نگاهی نیز به نظام سلامت جامعه داشتند. چنان که برپایی بیمارستانی در دوره‌ی مشروطه برگرفته از این دو منبع است. چند دهه بعد روزنامه‌ی «اخگر» به مدیریت امیرقلی امینی یکی از روزنامه‌های مهمی بود که توجه زیادی به امور شهری و سلامت نشان داد. امیرقلی امینی از فعالان اجتماعی اصفهان بود که سال‌ها در انجمن شهرداری عضویت داشت. روزنامه‌ی اخگر از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۲۱ شمسی/ ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۲ میلادی در اصفهان انتشار یافت. نویسنده‌ی این مقاله، اخبار و مقالات این روزنامه را استنساخ کرده و پس از

گرفت. علاوه بر این، مؤسسات و نهادهای دولتی مانند همی ادوار تاریخ، بخش خصوصی و مردمی نقش خویش را فراموش نمی‌کرد. همیشه گروهی از مردمان خیر یافت می‌شوند که بخشی از ثروت خود را در راه درمان هموعان خویش وقف کنند.

در این نوشتار نشان داده شده که از اواخر عصر قاجار تا سال ۱۳۲۰ شمسی تعداد شش بیمارستان در اصفهان راه‌اندازی شدند که تعدادی به وسیله‌ی بخش خصوصی و تعدادی دیگر به وسیله‌ی بخش نیمه خصوصی (شهرداری‌ها و هیأت‌های مذهبی) بر پا شدند. میزان مشارکت بخش دولتی نیز نشان داده شده است. در معرفی هر بیمارستان سعی گردیده که استعداد و ظرفیت هر بیمارستان نمایان باشد. گفتنی است پس از برپایی مشروطیت مطابق قانون اساسی و قانون بلدیةها، دولت‌ها در نظام سلامت مسؤولیت بیشتری بر دوش گرفته و انتظارات بیشتری را متوجه خود نمودند. بدین لحاظ مدیریت کشوری و شهری به ناچار بخشی از توجه خویش را به امر سلامت و برپایی بیمارستان‌ها اختصاص داد. در دوره‌ی پهلوی اول این فرایند شتاب بیشتری گرفت.

روند نوسازی و مدرنیزاسیون - که ابعاد مختلف زندگی را، از مظاهر شهری گرفته تا اخلاق جمعی و فردی جامعه هدف گرفته بود - موضوع سلامت و برپایی بیمارستان‌ها را نیز مورد بازنگری قرار داد. در این میان نقش رسانه‌ها و به طور مشخص روزنامه‌ها، بسیار پررنگ بود. آن‌ها با سوق دادن افکار عمومی جامعه، هم اطلاعات سلامت مخاطبین خویش را بالا بردند و هم مدیران شهری را برای انجام پروژه‌های سلامت تشویق می‌نمودند. به طور کلی، هر حرکت نوسازی باید پشتوانه‌ی رسانه‌ای نیز داشته باشد که روزنامه‌های این دوره این امر مهم را بر عهده داشتند. به همین خاطر نیز برای نگارش این مقاله بیش‌تر مطبوعات و منابع روزنامه‌ای مد نظر بوده‌اند.

برای تشریح فضای فکری این دوره که از یک سو سطح سلامت ارتقا یافته بود و از سوی دیگر بلدیةها، نهاد مسؤول سلامت شناخته می‌شدند، ذکر یک نمونه از مقالات مطبوعات پایتخت به جا می‌باشد. این مقاله «صحت عمومی» نام داشت

تدوین و فصل‌بندی در کتابی گرد آورده است. داده‌های این مقاله برگرفته از کتاب مذکور می‌باشد (۲).

### ضرورت مطالعه

پژوهش در تاریخچه‌ی پزشکی و نظام سلامت هر شهر، جزئی از تاریخ اجتماعی آن محسوب می‌شود. بخشی از تاریخ که اهمیت آن بیش از گوشه‌های دیگر آن است؛ چرا که این فصل با مرگ و زندگی انسان‌ها سر و کار دارد و چه واقع‌های مهم‌تر از مرگ و زندگی انسان؟ از سوی دیگر بیمارستان‌ها مهم‌ترین بخش تشکیلات نظام سلامت هستند. بی‌گمان هر شهروندی روزی سر و کارش با یکی از این مؤسسات افتاده یا خواهد افتاد. پس باید در حافظه‌ی جمعی مردم شهر ثبت شود که هر بیمارستان چه موقع و توسط چه کسی یا چه نهادی بر پا شده و چگونه اداره گردیده است؟ آن بیمارستان تحت چه شرایطی تأسیس گردیده و تا چه حد به نیازهای مخاطبین خود پاسخ داده است؟

### پیشینه‌ی تحقیق

راجع به تاریخچه‌ی بیمارستان‌های اصفهان (که توجه اصلی مقاله به آن معطوف است) تاکنون هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. در آثاری که به عنوان پیشینه‌ی پزشکی این شهر به چاپ رسیده، حداکثر سیاهه‌ای از زندگی‌نامه‌ی پزشکان و یا تاریخچه‌ای از برپایی دانشکده‌ی پزشکی به چشم می‌خورد. اگر هم مؤسسات مربوط به صورت گزارش فعالیت یا به شکل بروشور، بیمارستان‌های وابسته به خود را برشمرده و معرفی کرده‌اند، این فرایند به صورت خشک و اداری بوده و با زبان آمار و ارقام سخن گفته شده است، اما مقاله‌ی حاضر تاریخچه‌ی تأسیس بیمارستان‌ها را از زبان روزنامه‌ها (افکار عمومی) دنبال کرده است. اینک به شرح و معرفی بیمارستان‌های اصفهان در قرن اخیر پرداخته می‌شود.

### مریض‌خانه‌ی مرسلین

می‌توان گفت مریض‌خانه‌ی مرسلین، قدیمی‌ترین بیمارستان

اصفهان در دوره‌ی معاصر است. چنان که سید علی جناب، (مورخ محلی اصفهان) می‌نویسد: "بیمارستان مرسلین در سال ۱۲۸۶ قمری / ۱۸۷۰ میلادی و دوره‌ی ناصرالدین شاه، تحت ریاست دکتر Hernli در خانه‌ای در جلغا پایه‌گذاری گردید. فقط دارای چند پارچه‌ی اسباب جراحی، چند تخت چوبی و جزئی و دواهای جدید که تا آن وقت در اصفهان کسی استعمال نمی‌کرد، بوده است" (۳).

در سال ۱۳۰۷ قمری / ۱۸۹۰ میلادی، دکتر Caar انگلیسی به ریاست این مریض‌خانه منصوب شد. در سال ۱۳۲۰ قمری / ۱۹۰۲ میلادی در شهر اصفهان و در محله‌ی عباس‌آباد قطعه زمینی خریداری شده و پس از ساخت، مریض‌خانه به آنجا منتقل گردید. جایی که هنوز قرار دارد. حسن خلق دکتر Caar و استفاده‌ی این مریض‌خانه از آخرین روش‌های مداوا، موجب اقبال فوق‌العاده‌ی مردم اصفهان از مریض‌خانه‌ی «مسیحی‌ها» یا مریض‌خانه‌ی «انگلیسی‌ها» گردید. دکتر Caar تا سال ۱۳۴۱ قمری / ۱۹۲۳ میلادی ریاست بیمارستان را بر عهده داشت. اهمیت این بیمارستان علاوه بر آخرین روش‌های مداوا، در آن بود که آن‌جا پزشکی نوین نیز به محصلان و علاقمندان آموزش داده می‌شد. بیمارستان مذکور پس از انقلاب اسلامی ملی شده و تاکنون نیز با نام «بیمارستان عیسی‌بن‌مریم» در خیابان شمس‌آبادی اصفهان برقرار است.

### مریض‌خانه‌ی اسلامی

با وقوع انقلاب مشروطیت و شور و شعوری که آن حرکت در طبقات مختلف جامعه برانگیخت، هر کدام از آگاهان و نخبگان جامعه سعی داشتند کاری انجام داده و خدمتی بنمایند. در این میان کسانی به تأسیس مدرسه اقدام کردند، کسانی کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک به راه انداختند و کسی مثل شاهزاده محمدحسن میرزا قاجار در سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۹۰۷ میلادی با برپایی یک بیمارستان سعی کرد دین خود را به جامعه ادا نماید. وی وضعیت آن مؤسسه را چنین برای روزنامه‌ی انجمن مقدس ملی، شماره‌ی ۲۰، به تاریخ ۶

### مدیران سلامت شهر از نگاه قانون

به لحاظ قانونی آن چه بلدیها را درگیر وضعیت درمان شهر نیز می‌کند، «قانون بلدیها» بود که در مجلس اول مشروطه در سال ۱۳۲۵ قمری / ۱۹۰۷ میلادی به تصویب رسید. ماده ۸ این قانون: «نظم و ترتیب تأسیسات خیریه از قبیل مریض‌خانه‌ها و کتابخانه» را بر عهده بلدیها نهاد است (۷). بنا بر همین اصل در کنار وزارت داخله، امور درمانی شهرها بر عهده بلدیها نهاد شد. به خصوص بلدیها باید با جذب مشارکت‌های مردمی، به برپایی مریض‌خانه‌ها اقدام می‌کردند. شاید گمان بر این بود که چون امر نظافت شهر و بهداشت اصناف با بلدیها است، امور درمانی نیز باید با این مؤسسه باشد. از سوی دیگر بلدیها نوعی مدیریت شهری جدید را نوید می‌داد. در این سیستم، بلدیها باید تأسیسات عمومی شهر را اداره می‌کرد که بیمارستان‌ها هم جزء آن محسوب می‌شد.

از سوی دیگر وقتی در سال ۱۳۰۹ شمسی / ۱۹۳۰ میلادی قانون بلدیها در مجلس بازنگری گردید و جزء وظایف این اداره در دو ماده بلدیها را مسؤول امور درمانی و بیمارستانی شهر کردند، ماده ۱۱ «توسعه مریض‌خانه‌ها و دارالمساکین و دارالمجانین و سایر مؤسسات خیریه» و ماده ۱۴ «مراقبت در امور صحتی حوزه‌ی بلدی و معاونت عمومی به توسط شعبه‌های طبی امدادی و مریض‌خانه‌های بلدی» را به بلدیها سپردند (۸). در کنار بلدیها، اداره‌ی صحتیه نیز تشکیلاتی برای نظارت بر امور بهداشت و درمان شهر بود. این نهاد تا اواسط دوره‌ی پهلوی اول توسعه و نفوذی نداشت. در این زمان که نام آن به اداره‌ی بهداشتی نیز تغییر یافت، توانست قوتی گرفته و به طور تقریبی یگانه مرجع امور بهداشتی و درمانی شهر بشود؛ به طوری که حتی بیمارستان‌های بلدیها نیز به این نهاد تحویل گردید.

### نظام مدیریت سلامت پس از انقلاب مشروطیت

سه سال پس از برقراری نظام مشروطه، در سال ۱۳۲۷ قمری مدیران کشور پی بردند که امور بهداشت و درمان شهر نیز مؤسسه‌ای جداگانه می‌خواهد. پس زیر نظر بلدیها

ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ نگاشت: «در جنب بازار سبزی قدیم، مریض‌خانه‌ی عمومی موسوم به مریض‌خانه‌ی اسلامی تأسیس کرده به ترتیبی مهنا و اسبابی مهیا، به وجهی که در هر وقت سی نفر مریض فقیر بینوا که منزل و سکنی ندارند در آن مریض‌خانه قبول نموده، مجاناً و بلاعوض - طلباً لمرضات الله - دوا و غذا داده، از هر جهت در استعلاج و صحت مزاج آن‌ها نهایت مذاقه و مواظبت را خواهم کرد» (۴).

دو ماه بعد عده‌ای از بزرگان شهر به همراه حاج آقا نورالله نجفی که رهبری مشروطیت اصفهان را بر عهده داشت، به بازدید مریض‌خانه‌ی مزبور رفتند. در ابتدا حاج آقا نورالله طی نطقی حاضرین را به دادن اعانه برای پیشرفت کار مریض‌خانه دعوت کرد. پس از آن هیأت همراه به بازدید از مریض‌خانه پرداخت و از گزارش این بازدید مندرج در روزنامه‌ی انجمن مقدس ملی، شماره‌ی ۱۰ به تاریخ ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ می‌توان به استعداد این مریض‌خانه پی برد "تقریباً زن و مرد شصت نفر مریض بودند. هر کدام به ترتیب در اتاق‌ها روی نیمکت‌های مرتب، بعضی نشسته، بعضی خوابیده. بسیار منظم... " (۵).

تا این جا هر چه آمده راجع به داخل و امکانات مریض‌خانه بود. راجع به محل آن به سراغ روزنامه‌ی جهاد اکبر می‌رویم. این روزنامه بعد از انعکاس خبر بازدید می‌گوید: «محل آن در محله‌ی گلپهار است، در خانه‌ی جناب حاج میرزا عبدالحسین انصاری که منزلی است بس دلگشا و روح‌افزا مشتمل بر چندین دست عمارت...» (۶). راجع به نحوه‌ی مدیریت این مؤسسه روزنامه اضافه می‌کند که یک هیأت دوازده نفری از علما و تجار و اعیان بر امور مالی مریض‌خانه نظارت دارند و در همان مجلس اعانه، حاج آقا نورالله و دیگر بزرگان شهر کمک‌هایی را به آن مؤسسه نمودند که به شکل مستمر بود. مریض‌خانه‌ی اسلامی دیری نپایید و مانند بسیاری از مؤسسات همزاد مشروطه به دلیل عدم بودجه‌ی کافی، متکی بودن به فرد و تزلزل مدیریت شهری کم‌کم خاموش گردید. اکنون از آن مؤسسه اثری باقی نیست.

بهداشتی و درمانی مطلوب‌تری مطالبه می‌کردند. مهم‌تر از همه تیر توقعات بیشتر به سوی دولت و مؤسسات عمومی نشانه رفته بود. در ۱ بهمن سال ۱۳۰۷ روزنامه‌ی اخگر در تشریح وضعیت مدیریت درمانی شهر با خشم فراوان نوشت: "واقعاً ننگ‌آور است که یک شهر به این بزرگی که مدت‌های مدید پایتخت سلاطین عظیم‌الشأن ایران بوده است، به این وضع بیفتد که یک مریض‌خانه‌ی صحیح در آن پیدا نشود و مردم تسلیم قضا و قدر باشند. عده‌ی اطبای حاذق آن محدود و اطبای متخصص به هیچ وجه در این شهر نادرالوجودند. از اداره‌ی صحیه‌ی ولایتی این شهر، که اداره‌ی مستقل و تحت نظر وزارت جلیله‌ی داخله است، تا به حال آثاری نمی‌دیدیم. بلی صحیه‌ی اصفهان محتاج به یک اصلاحات کاملی است و باید توسعه‌ی کافی یابد. مریض‌خانه‌ی مفصلی در ظل آن با داشتن اطبای متخصص تشکیل شود."

#### قدم‌های اول برای تأسیس بیمارستان خورشید

سال ۱۳۰۸ شمسی / ۱۹۲۹ میلادی تلاش دلسوزان به ثمر نشست و پروژه‌ی نیمه کاره‌ی بیمارستان شهر دوباره از سر گرفته شد. ماجرا از این قرار بود که در آن سال‌ها با محوریت حاج آقا نورالله نجفی که در زمان مشروطیت و پس از آن زعامت و پیشوایی حرکت‌های اجتماعی و سیاسی شهر را عهده‌دار بود، زمینی برای تأسیس یک بیمارستان خریداری شده و اقدامات اولیه آن به انجام رسیده بود، اما با فوت او کار متوقف شد. شرح داستان از زبان اخگر (تاریخ ۶ شهریور ۱۳۰۸): «در سه سال قبل برای تشکیل یک چنین مؤسسه‌ای تحت ریاست مرحوم آیت‌الله (حاج آقا نورالله نجفی) اقداماتی شده و جلساتی از طرف چند نفر خیرخواهان اصفهان تا مدتی هر هفته یک بار منعقد می‌شد، ولی نتیجه تنها به همین جا منتهی گشت که وجهی جزئی گردآوری شده، قطعه زمینی در خیابان پشت مطبخ خریده و سردری نیز برای آن ساخته و بالآخره احساسات آتشین اعضای جمعیت به مرور قلیل زمانی خاموش شده و گذاشته و گذشتند». نویسندگی این روزنامه به حق گلمند بود که: «یک جمعیت یک صد و پنجاه هزار

«اداره‌ی حفظ‌الصحت» بر پا گردید. در اصفهان مطابق روزنامه‌ی محلی «زاینده رود»، شماره‌ی ۱۳ به تاریخ ۱۳ شوال ۱۳۲۷ می‌خوانیم: «یکی از ادارات که تشکیل آن از وظایف انجمن بلدیه شمرده شده، اداره‌ی حفظ‌الصحت است. در این اوقات بر حسب اهمیت، انجمن بلدیه در تشکیل آن صرف همت نموده و نواب والا محمدحسن میرزا، اشرف‌الحکما را که یکی از اعضای آن انجمن است به سمت مدیریت این اداره منتخب نموده».

بدین ترتیب اولین نهاد قانونی مدیریت بهداشت و درمان شهر پایه‌گذاری گردید. رئیس اداره، همان کسی است که در مشروطه‌ی اول مریض‌خانه‌ی اسلامی را در اصفهان دایر کرده بود. وی در شرح وظایف اداره‌ی تحت فرمانش، در همان شماره روزنامه، طی نامه‌ای نوشت: «تنظیف مسالک و معابر از کثافات و تزکیه‌ی آب‌های حمام و تصفیه‌ی هواهای ساریه و میاه جاریه از مواد عفنه و اخراج لاشه‌ی حیوانات میته و تبعید فضلات و فضولات و ترتیب امور غسالان و ثبت عده‌ی اموات نفوس و موظف شدن اطبای شهر و توابع، علی قدر مراتبهم، به وظایف علمیه و عملیه...» از وظایف اداره‌ی حفظ‌الصحت است.

نگاهی به فهرست بلند بالای ذکر شده نشان می‌دهد، در آن زمان معضلات بهداشتی شهر اصفهان چه چیزهایی بوده است که مسؤول بهداشت و درمان شهر تصمیم به رفع و حل آن‌ها داشت. از اقدامات این اداره اخبار زیادی در روزنامه‌ها نیامده است. فقط در سال ۱۳۳۲ می‌خوانیم که اداره‌ی حفظ‌الصحت اصفهان بنا به دستورالعمل مجلس حفظ‌الصحت تهران، به وسیله‌ی دو نفر از پزشکان شهر یعنی آقا میرزا مسیح‌خان حافظ‌الصحه و احتشام‌الحکما به صورت مجانی به مراجعین واکسن آبله تزریق می‌کند (۵).

#### اوضاع بهداشتی - درمانی شهر در دوره‌ی پهلوی اول

در سال‌های پس از ۱۳۰۰ شمسی / ۱۹۲۱ میلادی به سبب وزیده شدن نسیم مدرنیسم در کشور، اندک اندک توقع و خواسته‌های مردم بالاتر آمده و جامعه‌ای پاکیزه‌تر و وضعیت

گزارش مفصلی از افتتاحیه‌ی مریض‌خانه‌ی ملی اصفهان، در روزنامه‌ی اخگر به تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۰۹ درج شده است. این مریض‌خانه که امروز یکی از بیمارستان‌های شهر است و سال‌ها بیمارستان خورشید نامیده می‌شد و در سال‌های اخیر به مناسبت دخالت حاج آقا نورالله نجفی در تأسیس آن به «بیمارستان نور» تغییر نام یافت. گفتنی است در همین روز افتتاح، عیسی‌قلی امیرنیرومند، به مدیریت مریض‌خانه‌ی مذکور منصوب گردید. در مراسم افتتاحیه که سرهنگ شهردار کفیل بلدی و دیگر رؤسای دوایر محلی حضور داشتند، دبیر اعظم، حاکم اصفهان، از روح حاج آقا نورالله که این مؤسسه به همت او بر پا شده بود به نیکی یاد کرد.

عمارت مریض‌خانه نیمه کاره بود. پس کمیسیون مربوط هر هفته تشکیل جلسه داده و امور مریض‌خانه را تحت نظر داشت. در همین یک ماهه آمار نشان می‌داد که همه روزه پنجاه نفر برای مداوا به آن جا مراجعه می‌کردند. روزنامه اخگر ۱۲ آبان ۱۳۰۹: «بنای عمارت مریض‌خانه نیز پیشرفت کلی کرده و قریباً قریب هشت اتاق بزرگ دیگر بر اتاق‌های سابق آن افزوده خواهد شد؛ به طوری که کسب اطلاع کرده‌ایم با اتمام بنایی که در دست ساخته شدن است بر وسعت عملیات صحن مریض‌خانه نیز افزوده خواهد شد. اینک نیز همه روزه عده‌ی زیادی که غالباً بالغ بر پنجاه نفر می‌شوند از بیماران بی‌بضاعت، آن جا مراجعه و معاینه شده و دوا می‌جانی به آن‌ها داده می‌شود».

در بهمن همان سال ۱۳۰۹ شمسی / ۱۹۳۱ میلادی معلوم شد، مریض‌خانه که «خورشید» نام گرفته بود، دارای دوازده اتاق کوچک و بزرگ است که سه اتاق آن سفید کاری شده و آماده‌ی پذیرایی از بیماران می‌باشد.

موضوع بودجه‌ی دائمی برای مریض‌خانه اهمیت زیادی داشت؛ چرا که موسسه‌ی تازه تأسیسی چون مریض‌خانه هزار خرج پیدا و پنهان داشت که باید هزینه‌ی آن تأمین می‌شد. به ویژه آن که برای طبقات پایین شهر خدمات درمانی به صورت رایگان ارایه می‌شد. نکته‌ی دیگر آن که از همان ابتدا بلدی‌ی اصفهان مدیریت مریض‌خانه را بر عهده گرفته بود.

نفری اصفهان با یک مریض‌خانه‌ی خراب مسیحی نمی‌تواند زندگی کند». خوب است بدانیم اعتراض به مریض‌خانه‌ی مسیحی (همانند مدارس آن‌ها) فقط به جنبه‌های فنی نبود، بلکه تأثیری که این مؤسسات در جهت ترویج مسیحیت بر اعتقادات مراجعین خود بر جا می‌گذاشتند، همیشه آگاهان جامعه و مطبوعات را نگران می‌کرد.

داستان به جریان افتادن پروژه‌ی بیمارستان شهر بدین قرار بود که مجمعی از معاریف و مشاهیر اصفهان به همراهی برادرزاده‌های حاج آقا نورالله تشکیل گردید و مذاکراتی درباره‌ی ادامه‌ی کار به عمل آمد. همین انجمن که حکمران شهر بر آن ریاست داشت، کمک‌هایی را جمع‌آوری کرده و امور بنایی ساختمان را از سر گرفت. روزنامه‌ی اخگر به تاریخ ۴ شهریور ۱۳۰۸ خبر داد: «مدتی است که تحت ریاست آقای مشارالدوله، حکومت جلیله‌ی اصفهان و به عضویت آقایان سیدالعراقین، اعتمادالتجار، فاضل نوری، محاسب الدوله، دکتر احتشام (رئیس اداره‌ی صحیح‌ه اصفهان)، حاج شیخ مهدی، حاج شیخ ابوالفضل، صدرالاسلام کمیسیونی به نام «کمیسیون مریض‌خانه‌ی ملی» برای جمع‌آوری اعانه و تأسیس یک باب مریض‌خانه‌ی ملی که در زمان مرحوم آیت‌الله شالوده‌ی آن ریخته شده و با فوت آن مرحوم فراموش شده بود، تشکیل و جلسات آن هر هفته در منزل یک نفر از اعضا مرتباً منعقد و در باب جمع‌آوری اعانه و سایر مسایل مربوط به ساختمان و غیره‌ی مریض‌خانه مذاکره می‌کنند». همین روزنامه در ادامه افزود که امور بنایی ساختمان مریض‌خانه آغاز شده است. تا شهریور سال بعد (۱۳۰۹) کمیسیون مریض‌خانه هم‌چنان در کش و قوس جمع‌آوری پول برای ساخت بنا بود تا سرانجام ساختمان بر پا گردید.

شنبه ۹ مهر ۱۳۰۹ شمسی / ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۰ مراسم جشن افتتاح مریض‌خانه‌ی ملی معین شد. در این زمان شهرداری اصفهان، که به طور تقریبی تمام مسؤلیت بهداشت و درمان شهر را بر دوش می‌کشید، تصمیم گرفت یک شعبه مطب رایگان در آن جا بر پا کرده و حتی به بیماران بی‌بضاعت داروی مجانی بدهد.

پس بودجه‌ی آن نیز باید توسط آن نهاد تأمین می‌گشت. ماهیانه سه هزار تومان برای کلیه‌ی مؤسسات بهداشتی و درمانی شهر پیش‌بینی شد. آیا امکان تهیه و تخصیص این بودجه وجود داشت؟ روزنامه‌ی اخگر در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۰۹ خبر داد که حکمران اصفهان قرار است ماهی سه هزار تومان به بودجه‌ی صحی اصفهان اضافه نماید و اظهار امیدواری کرد "در صورت انجام این منظور امید می‌رود که قریباً" **مریض‌خانه‌ی مذکور بتواند به طور شبانه‌روزی نیز به نگاه‌داری و معاینه‌ی مرضای بی‌بضاعت مبادرت نماید."**

سال بعد معلوم شد که شهرداری اصفهان توان اداره‌ی مالی مریض‌خانه را ندارد و نیز بنا به دلیل نامعلومی (شاید عدم تخصیص بودجه کافی) دکتر امیرنیرومند از ریاست مریض‌خانه استعفا داد. آیا این پایان کار مریض‌خانه‌ی خورشید بود؟ روزنامه‌ی اخگر به تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۱۰ با غم فراوان یادآوری کرد:

«مریض‌خانه‌ی خورشید که در میان شادباش و هلهله‌های مسرت و شادی عده‌ی زیادی از محترمین اصفهان، در چندین ماه قبل تشکیل گردید و مدیریت آن به آقای دکتر امیرنیرومند واگذار شد، در عرض این چند ماهه‌ی افتتاح خویش، با تمام بی‌اسبایی‌ها و موجود نبودن وسایل کار، خدمات برجسته‌ای به ملت اصفهان و مخصوصاً افراد بی‌بضاعت این شهر نمود؛ به طوری که ماهیانه حداقل تا هزار و پانصد و حداکثر تا دو هزار نفر مریض را معاینه و معالجه نمود. چندی هم دوا‌ی مجانی به مرضای مستحق داده می‌شد. اخیراً آن دوا قطع گردید و تدریجاً نمی‌دانیم چه موجباتی فراهم آمد که آقای دکتر عیسی قلی‌خان امیر نیرومند نیز، با آن همه عشق و علاقه‌ای که به این مؤسسه داشتند، از کار مریض‌خانه کناره‌جویی و استعفا نمودند...» سپس روزنامه با خشم فراوان می‌پرسد: «راستی آیا برای اصفهان ننگ‌آور نیست که نمی‌تواند به نگاه‌داری یک مریض‌خانه‌ی محقر مبادرت کند؟ و یا برای نمایندگان انجمن بلدی ما ناپسند نیست که تا بدین درجه از خود ابراز تکاهل می‌نمایند؟»

سیر ترقی مریض‌خانه کند شده بود، اما نیاز روزافزون به این نوع مؤسسات مانع از خاموشی کامل آن‌ها می‌گردد. بنابراین سال بعد یعنی سال ۱۳۱۱ شمسی / ۱۹۳۲ میلادی تحت‌های مریض‌خانه‌ی خورشید تحویل مدیران مریض‌خانه گردید و نیز یک دستگاه موتور برق برای این مؤسسه خریداری شد. در اسفند سال ۱۳۱۲ اداره‌ی صحیه‌ی بلدییه از محل سابق خود که در ساختمان بلدییه بود، به مریض‌خانه‌ی خورشید منتقل گردید. این جابجایی بر اعتبار مریض‌خانه می‌افزود. بودجه‌ی سالیانه‌ای که برای شفاخانه‌ی خورشید توسط وزارت کشور در سال ۱۳۱۳ در نظر گرفته شده بود، بسیار اندک و مبلغ هفده هزار تومان بود. گفتنی است این بودجه از صندوق بلدییه‌ی اصفهان باید پرداخت می‌شد.

روزنامه‌ی اخگر طی مقاله‌ای به تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۱۳ بدین امر اعتراض نمود و عنوان کرد: «مسئولین قول داده بودند مریض‌خانه‌ی خورشید دارای بخش زنانه شده و تعداد تخت‌های آن به چهل عدد افزایش یابد، اما حالا که بودجه‌ی شفاخانه رسیده و دیده می‌شود که نه تنها با این بودجه مریض‌خانه‌ی چهل تخت خوابی و مریض‌خانه‌ی زنانه را نمی‌توان نگاه‌داری نمود، بلکه نگاه‌داری شفاخانه‌ی بیست تخت خوابی کنونی هم از روی اصول و قواعد فنی حتماً امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چرا که سر تا سر بودجه‌ی مصوبه‌ی وزارت داخله هفده هزار تومان است و تمام اطباء آن منحصر به یک نفر جراح، یک صد و بیست تومان و یک نفر طبیب، شصت تومان حقوقی است. شما را به خدا یک نفر جراح و یک نفر طبیب، اعم از این که حقوقشان با این مبلغ کافی باشد یا نباشد، برای این مردم و برای نگاه‌داری یک مریض‌خانه‌ی مهم که مرجع کلیه‌ی فقرا و ناتوانان این شهر است، چه می‌توانند بکنند؟»

شش ماه بعد به تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۱۳ روزنامه‌ی اخگر در مقاله‌ای دوباره بر اهمیت توجه به امور درمانی انگشت نهاده و شفاخانه‌ی خورشید را درخور شهری مثل اصفهان ندانست. از لابلای کلمات این مقاله می‌توان نیاز فوری و شدید اصفهان را به داشتن مؤسسات بیمارستانی خوب دریافت:

ساخته شد (۱۱). این بیمارستان اکنون به همراه بیمارستان حضرت علی‌اصغر (ع) به نام «مرکز پزشکی نور و حضرت علی‌اصغر» خوانده شده و از بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است.

### بیمارستان امین یا سنبلستان

شهرداری و مردم اصفهان با بودجه‌ی اندک شهری در حال تکمیل مریض‌خانه‌ی خورشید بودند که در این زمان یعنی سال ۱۳۱۰ شمسی / ۱۹۳۱ میلادی خبر خوشی از این دست در شهر پیچید. سید حبیب‌الله امین‌التجار، از تجار اصفهانی که در آن زمان نماینده‌ی این شهر در مجلس شورای ملی نیز بود، تصمیم داشت بیمارستانی از سرمایه‌ی خود در شهرش بنا کند. این خبر خیلی‌ها را خوشحال کرد. امین می‌خواست در نقطه‌ای از شهر که بیش از همه به این مؤسسه حاجت داشت، یعنی مرکز پرجمعیت شمال شهر، بیمارستان را بنا نماید. برای این کار محل قبرستانی متروکه و قدیمی به نام چُنبلان یا چُملان در نظر گرفته شد. قدم‌های اولیه برداشته شده و موافقت اولیای امور جلب گردید. روزنامه‌ی اخگر به تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۱۰ خبر داد: «چون از طرف حکومت جلیله به وسیله‌ی مهندس مخصوص نقشه‌ی ساختمان مریض‌خانه، که در اراضی سنبلستان از طرف آقای حاج امین‌التجار ساخته و بنا می‌شود، تهیه گردیده بود، در هفته‌ی گذشته حکمران محترم و آقای رئیس بلدیة و آقای اعتماد‌التجار در محل مزبور رفته و عملیاتی که تاکنون شده معاینه نموده‌اند و دستور لازم برای تعقیب عملیات بر طبق نقشه از طرف حکومت جلیله داده شده و مخصوصاً برای درخت‌کاری آن جا تا موقع نگذشته دستور اکید داده‌اند که اقدام شود».

سال بعد به تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۱۱ روزنامه‌ی اخگر گزارش مفصلی از پیشرفت‌های بیمارستان به خوانندگان خود ارائه داد و با تعجب بیان کرد که چگونه آن تاجر خیر، کار تسطیح و آماده‌سازی قبرستان قدیمی را به اتمام رسانیده، ساختمان بنا نیز تا به زیر طاق رسیده است. شرح ماجرا شنیدنی است: «شاید خیال کنید که قبرستان چنبلان جای هموار و زمین

«اهالی شهر اصفهان سالیانه بالغ بر دویست هزار تومان عوارض بلدی می‌پردازند و بدون رودربایستی می‌توان گفت استفاده‌ی خیلی مختصری که از فواید وجود بلدیة شهر خویش می‌کنند، هرگز درخور پرداخت یک چنین عوارض سنگینی نمی‌باشد. مردمی که مالیات بلدی می‌پردازند، چشم توقع و امیدشان به این است که بلدیة نیز برای آن‌ها زحمت کشیده، جان کنده، موجبات آسایش، شادمانی، تأمین حفظ‌الصحة و خلاصه کلیه‌ی وسایل راحتی آن‌ها را فراهم نماید» نویسنده‌ی روزنامه سپس نتیجه می‌گیرد: «هنوز با کمال اطمینان می‌توان گفت که بلدیة اصفهان مریض‌خانه‌ی آبرومندی ندارد».

به طوری که مطلعین می‌گویند: مریض‌خانه‌ی خورشید تا این جا به صورت بنایی بود که دور تا دور آن را اتاق‌هایی خشت و گلی احاطه می‌کرد. چیزی شبیه کاروان‌سراهای دیروزی. یک ایوان طولانی در جلوی اتاق‌ها نیز طراحی شده بود. این شکل بنا تا سال ۱۳۲۰ شمسی / ۱۹۴۱ میلادی که کلیه‌ی مؤسسات درمانی شهر از جمله همین مریض‌خانه به اداره‌ی بهداشتی تحویل گردید، برقرار بود. بهداشتی تغییرات زیادی در آن به وجود نیاورد. آن چه بیمارستان خورشید را متحول کرد، تغییر مدیریت آن بود. با برپایی «آموزشگاه عالی بهداشتی» در اصفهان در سال ۱۳۲۵ شمسی / ۱۹۴۶ میلادی این بیمارستان از طرف وزارت بهداشتی به آموزشگاه مذکور انتقال داده شد. گفتنی است آموزشگاه عالی بهداشتی زیر نظر دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران در چند شهرستان بر پا گردید تا طی دوره‌ی ۴ ساله «بهدار» تربیت نماید (۹). چهار سال بعد دانشکده‌ی پزشکی بر پا گردید و ساختمان خشت و گلی سابق را خراب کرد و به جای آن ساختمان دو طبقه‌ی آجری بنا نهاد که هنوز هم در وسط بیمارستان برپاست. این ساختمان از محل اعانات مردمی ساخته شد (۱۰). مدتی بعد به سال ۱۳۲۹ شمسی / ۱۹۵۰ میلادی در ضلع شمالی و شمال غربی یک ساختمان چند طبقه پی‌ریزی شد که ساخت آن تا سال ۱۳۴۳ به طول انجامید. سال بعد نیز ساختمان دیگری از محل اهدایی شرکت ملی نفت در همان محل



بود، با شدت در حال پیشرفت بود. در شهریور سال ۱۳۱۴ معلوم شد بیمارستان مذکور به واقع بیمارستان شده و امکان پذیرش و بستری شدن بیماران در آن جا فراهم آمده است و سی نفر مریض نیز در آن بستری شده‌اند؛ به طوری که تمامی مخارجشان را آن مؤسسه می‌پردازد.

در سال ۱۳۱۸ به بیمارستان سنبلستان، بیمارستان «شهرداری» می‌گفتند. در این زمان ریاست این مؤسسه مهم بر عهده‌ی دکتر مرتضی حکمی بود. وی که در فرانسه دکترا گرفته بود، از مدیران بهداشتی و درمانی موفق این شهر محسوب می‌شد. در سال ۱۳۲۰ مدیریت این بیمارستان هم چون دیگر مؤسسات درمانی شهرداری به اداره‌ی بهداشتی اصفهان محول گردید، اما این پایان کار نبود. در سال ۱۳۴۸ شمسی / ۱۹۶۹ میلادی اداره‌ی این بیمارستان طبق قرارداد منعقد شده بین وزارت بهداشتی و دانشگاه اصفهان به دانشکده‌ی پزشکی اصفهان محول شد. با واگذاری این باغ و بیمارستان به دانشگاه اصفهان، بیمارستان خشت و گلی به طور کل تخریب و به جای آن بخش‌های امروزی این مرکز پزشکی ساخته شد که ظرفیت تخت خواب‌های آن در سال ۱۳۵۴ به حدود ۶۰۰ تخت بیمارستانی رسید و در حقیقت به بزرگ‌ترین بیمارستان شهر تبدیل گردید (۱۲).

### بیمارستان احمدیه

اگر مریض‌خانه‌ی سنبلستان یا امین را بخش خصوصی ساخت و به دولت تحویل داد، اما در سال ۱۳۰۱ شمسی / ۱۹۲۲ میلادی بیمارستان خصوصی دیگری در اصفهان بر پا گردید که خود بخش خصوصی نیز به اداره‌ی آن مشغول بود. این بیمارستان هنوز هم برپاست و به همان نام «بیمارستان احمدیه» خوانده می‌شود. دکتر ابوتراب نفیسی از پزشکان شهر راجع به مؤسس این بیمارستان آورده است: «مؤسس و گرداننده‌ی آن احمدخان محیی (پزشک) بود. او تحصیلات خود را در بیمارستان مسیحی به صورت شاگردی انجام داده بود و تازه بیمارستانی را راه انداخته بود و در آن جا همه کاری انجام می‌داد. حتی این اواخر یک دستگاه رادیولوژی نیز وارد کرده بود.

مستعدی بود که ممکن بود فوراً آن را صاف و به باغ و بوستان و مریض‌خانه تبدیل نمود، خیر. این قبرستان که یکی از قدیمی‌ترین قبرستان‌های اصفهان بود و کلیه‌ی مساحت آن را شصت و چند جریب زمین تشکیل می‌داد، به قدری پستی و بلندی و به عبارت دیگر دره و ماهور داشت که راستی عقل باور نمی‌کرد احدی به تسطیح آن موفقیت حاصل نماید. وانگهی بر فرض موفقیت تازه آبی نداشت که بتوان از یک چنین زمین وسیعی استفاده کرد. امروز شما وقتی وارد این قبرستان مخوف و مهیب دیروزی می‌شوید، دفعتاً چشم شما به یک باغ و بوستان مصفایی می‌افتد که حقاً رشک روضه‌ی رضوان است. در سمت شمالی باغ ملی، عمارت باشکوه مریض‌خانه‌ی امین نگر بسته می‌شود که عده‌ی زیادی بنا و عمله مشغول ساختمان آن می‌باشند و تا حدود طاق‌ها رسیده و حتی طاق بعضی از اتاق‌های آن پوشیده شده. نقشه‌ی این عمارت را «ملوکوف» مهندس وزارت داخله تهیه کرده و بر روی هم دارای شانزده اتاق، که مشتمل بر اتاق دکتر، پانسمان، دواخانه، جراح‌خانه، انتظار، جایگاه مستخدمین مریض‌خانه، اتاق‌های مرضای شبانه‌روزی و غیره و غیره و دارای دو حمام می‌باشد که یکی مخصوص مردانه و دیگری زنانه است. دو سالن بزرگ که هر یک جای بیست تخت خواب با شش اتاق دیگر که هر یک جای دو تخت خواب و بر روی هم گنجایش سی و دو تخت خواب دارند، برای مرضای شبانه‌روزی اختصاص داده شده».

کارها به سرعت پیش رفت و در پایان سال ۱۳۱۲ شمسی / ۱۹۳۳ میلادی کار ساختمان‌سازی و حتی محوطه‌سازی بیمارستان به پایان رسیده و بنای بیمارستان طی مراسمی به اداره‌ی بلدیة اصفهان تحویل شد. دو سال بعد مدیر روزنامه، امیرقلی امینی که خود عضو شورای شهر بود، به مناسبت این که امکان انتقال شفاخانه‌ی خورشید را به بیمارستان سنبلستان بررسی کند، راهی آن جا شده و ضمن گزارشی از آن مؤسسه معلوم می‌شود بخش چشم‌پزشکی نیز به این بیمارستان اضافه شده است. بیمارستان امین که توسط بخش خصوصی راه‌اندازی شده

بغوسخانیان، از آرامنه‌ی ساکن هندوستان مبلغ سه میلیون رویه نزد بانک بنگال سپرد تا از منافع آن درمانگاهی در جلفا ساخته شود. در سال ۱۹۳۲ در محل کلیسای مرادیان (گنبد خیاری) ساختمان این بیمارستان بر پا گردید و غیر از ارمنیان، دیگران هم می‌توانستند از آن سود جویند» (۱۵). به همین خاطر نیز گاهی بیمارستان فوق را «بغوسخانیان» می‌نامیدند. روزنامه‌ی اخگر مریض‌خانه‌ی ملی آرامنه را از لحاظ طرح

و نقشه در اصفهان بی‌نظیر دیده بود. چنان که از خبر این روزنامه برمی‌آید تا تاریخ ۴ تیر ۱۳۱۳ آن بیمارستان به صورت شبانه‌روزی بیمار پذیرش نمی‌کرده است. «از جمله مؤسسات آرامنه‌ی جلفا مریض‌خانه‌ی ملی آن‌هاست که در یک باغ وسیعی واقع در بهترین محل جلفا یعنی در خیابان نظر با طرزی بسیار زیبا و باشکوه ساخته شده و اخیراً از این حیث تکمیل و به اتمام رسیده و می‌توان گفت از حیث طرز نقشه و حسن سلیقه‌ای که در ساختمان آن به خرج رفته است، فعلاً در تمام شهر اصفهان بی‌نظیر می‌باشد. مخصوصاً در ساختمان عمارت این مریض‌خانه منتهای دقت به کار رفته که مطابق اصول صحی بوده و کلیه‌ی اتاق‌ها دارای هوای آزاد و آفتاب زیاد باشند و چون دارای فضای وسیعی است، مخصوصاً از هر جهت مصفا و باروح و کاملاً آفتاب‌گیر می‌باشد». روزنامه یادآور می‌شود که ریاست بیمارستان با دکتر کاپیرونی بود که در آن زمان رئیس شفاخانه‌ی خورشید نیز بوده‌اند. همین روزنامه ابراز تأسف می‌کند که چرا بیمارستان مذکور امکانات نگهداری شبانه‌روزی از مریض را ندارد.

سال‌ها بعد بیمارستان جلفا قربانی خیابان‌کشی‌های جدید شهر شد و در سال ۱۳۵۳ شمسی / ۱۹۷۵ میلادی به دلیل گذر خیابان توحید از وسط بنا، بیمارستان نیز برجیده گردید و اکنون اثری از آن دیده نمی‌شود. فقط کوچه‌ای در آن حوالی به یادگار آن موسسه به نام «بغوسخانیان» بر جای مانده است.

### بیمارستان یک صد تخت خوابی شهر

بیمارستان‌های فوق همه مشغول به کار بودند، اما در سال ۱۳۱۸ شمسی / ۱۹۳۹ میلادی وجود بیمارستان‌های مذکور

مردی بود با پشتکار و فعال و خود ساخته» (۱۳). این پزشک خودآموخته که به تنهایی بیمارستانی را راه‌اندازی کرد، سرانجام پس از چهل سال طبابت در سال ۱۳۳۰ شمسی / ۱۹۵۱ میلادی درگذشت و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد (۱۴). بیمارستان احمدیه از همان آغاز راه، امتیازات فراوانی نسبت به هم‌نوعان خود داشت. نگاهی به این بیمارستان از قلم روزنامه‌ی اخگر در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۱۲ شمسی:

«این مریض‌خانه امروز دارای قریب سی و پنج تخت‌خواب است که کلیه‌ی آن‌ها را مرضای زن و مرد گرفته‌اند. نظم و انتظام و مخصوصاً نظافت این مؤسسه حتماً از هر جهت مایه‌ی تقدیس است. اتاق جراحی این مریض‌خانه با زیباترین و بهترین اسلوب‌ها ساختمان و تمام سطح آن از سنگ مرمر فرش گردیده، تخت جراحی مخصوصی که از نمره‌ی آخرین سیستم‌ها به شمار می‌رود، به قیمت دو هزار تومان وارد گردیده. در طرف دیگر دواخانه‌ای مهم و در طرف دیگر لابراتوار مریض‌خانه وجود دارد. در قسمت جراحی از ابتدای تیر ماه سال گذشته تا اواخر تیر ماه سال جاری که ۱۳ ماه می‌شود، ۴۶۰ فقره جراحی که بالغ بر ۵۰ نوع بوده است و بعضی از انواع آن از مشکل‌ترین عملیات به شمار می‌رفته، به عمل آمده است. در طی همین مدت ۱۳ ماهه، ۸۹۱۹ فقره معاینه از مرضای خارجی شده است. احصاییه‌ی فوق خدماتی را که این مؤسسه سودمند و مؤسس فعال آن به جامعه‌ی اصفهان کرده است، به خوبی نشان می‌دهد». بیمارستان احمدیه تا به امروز نیز برقرار است. اگر چه مدیریت آن از خاندان محیی به مؤسسه‌ی خصوصی دیگری انتقال یافت.

### بیمارستان جلفا (مریض‌خانه ملی آرامنه)

علاوه بر بیمارستان مرسلین که توسط هیأت‌های مذهبی خارجی پایه‌گذاری گردید، خود ملت آرامنه نیز در جلفا بیمارستانی تأسیس کرده بودند. لئون میناسیان (از پژوهشگران قوم ارمنی) راجع به این مؤسسه نوشته است: «سابقه‌ی تأسیس بیمارستان مذکور به حدود سال ۱۳۲۴ قمری / ۱۹۰۶ میلادی می‌رسد. زمانی که هوسپ یوسف

دیگر کفاف جمعیت دویست هزار نفری شهر را نمی‌داد، پس مسؤلین امر و مدیریت درمان شهری به فکر برپایی یک بیمارستان بزرگ یک صد تخت خوابی افتادند. مقرر شد این بیمارستان توسط اداره‌ی بهداشتی و شهرداری اصفهان به صورت مشترک ساخته شود. تا آن لحظه این تنها پروژه‌ی بیمارستانی شهر بود که اداره‌ی بهداشتی وزارت داخله می‌خواست در آن سهیم باشد. مطابق خبر روزنامه‌ی اخگر در ۲ مهر ۱۳۱۸: «اخیراً اداره‌ی بهداشتی دویست هزار ریال از هشتصد هزار ریال را پرداخته و اداره‌ی شهرداری در تهیه‌ی انتخاب محل مناسب برای ساختمان بیمارستان می‌باشد، تا پس از وصول نقشه اقدام به ساختمان آن نمایند».

محل این بیمارستان در یک قبرستان قدیمی و متروکه به نام قبرستان «سیتی فاطمه» تعیین گردید. پی‌ریزی آن انجام شده بود که صدای طبل جنگ جهانی دوم به صدا درآمد. مصالح گران شد و تورم بیش از حد مانع از آن شد که بودجه‌ها کفاف دهد. گرفتار شدن دولت و شهرداری‌ها در گرداب جنگ و پیامدهای آن و نیز اختلافات داخلی اولیای امور، کار بیمارستان را متوقف کرد و سرانجام ۱۴ سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۲ بیمارستان مذکور در حالی که تنها پی آن ریخته شده بود، از وزارت بهداشتی به وزارت فرهنگ منتقل شد تا به دانشکده‌ی پزشکی اصفهان تحویل گردید. دانشکده‌ی پزشکی به سرعت به ساخت و تکمیل آن همت گماشت تا سرانجام یک سال بعد به تاریخ ۴ آذر ۱۳۳۳ شمسی / ۲۵ نوامبر ۱۹۵۴ میلادی بیمارستان «ثریا» افتتاح گردید. این بیمارستان همانند بیمارستان خورشید از بیمارستان‌های آموزشی دانشکده‌ی پزشکی اصفهان محسوب می‌شد (۱۴). پس از انقلاب نام بیمارستان مذکور به مصدق و اکنون به نام «بیمارستان کاشانی» خوانده می‌شود.

### زایشگاه کازرونی

زایشگاه کازرونی یکی از مؤسسات خصوصی بیمارستانی اصفهان بود که در سال ۱۳۲۰ شمسی / ۱۹۴۱ میلادی در خیابان عباس‌آباد اصفهان آغاز به کار کرد. این مؤسسه فقدان

وجود یک زایشگاه را برای شهر اصفهان پر نمود و از آن جهت که به دست اشخاص نیکوکار بخش خصوصی اداره می‌شد، مورد مراجعه‌ی بیماران طبقات پایین دست جامعه بود. از سوی دیگر به دلیل مدیریت خصوصی آن، همواره به آخرین فن‌آوری روز دنیا مجهز بود. یکی از پزشکان این زایشگاه مرحوم دکتر ابوتراب نفیسی بود که وی در شرح خاطرات خود، این مؤسسه را یکی از پیشرفته‌ترین و مرتب‌ترین درمانگاه‌های اصفهان در زمان خود می‌داند و یکی از دلایل این امر آن بود که نخستین بار در اصفهان دستگاه رادیولوژی توسط محمد جعفر کازرونی خریداری شده و در این درمانگاه نصب گردید (۱۶). خاندان کازرونی از تجار نیکوکار اصفهان محسوب می‌شدند که از اوایل دروه‌ی مشروطیت به امور عام‌المنفعه اشتغال داشتند (۵). به هر حال آگهی تأسیس زایشگاه کازرونی که در ۲۳ بهمن ۱۳۲۰ در روزنامه‌ی اخگر به چاپ رسید، حاوی این مژده بود که مراجعین بی‌بضاعت به صورت مجانی پذیرفته می‌شوند.

دو هفته پس از افتتاح زایشگاه، روزنامه‌ی اخگر در ۳۰ بهمن ۱۳۲۰ در تمجید از این اقدام برادران کازرونی و لزوم برپایی یک زایشگاه در شهر اصفهان نوشت: «تصور می‌کنید هر سال در همین شهر اصفهان از زنان باردار طبقات ضعیف بر اثر نداشتن وسایل حمایت خویش چه عده‌ای تلف و به آرزوی دیدار روی فرزند آینده‌ی خویش در اعماق گور نیستی فرو می‌روند؟ تصور می‌کنید در اثر جهل مادران و قابله‌های نادان ما چه عده‌ی کثیری از موالید، که باید افراد نیرومند جامعه‌ی آینده‌ی ما را تشکیل دهند، دستخوش مرگ و میر گردیده و رهسپار دیار عدم می‌گردند؟ به عقیده‌ی ما ساختمان و تأسیس این بنگاه از نظر حفظ عده‌ی زیادی از زنان باردار فقیر و نوزادان خانواده‌های مسکین بهتر از تأسیس دو بیمارستان یک صد تخت خوابی است؛ چرا که پزشک و بیمارستان در شهر اصفهان تا حدی یافت می‌شود، ولی قابله‌های متخصص بسیار کم و زایشگاه هم تنها منحصر به زایشگاه بیمارستان مرسلین است که مخصوص طبقات پولدار می‌باشد».

روزنامه در ادامه فرماندار شهر را مخاطب ساخته می‌گوید: «جناب آقای اردلان! اتمام بیمارستان یک صد تخت خوابی و ساختمان زایشگاه پنجاه تخت خوابی و تکمیل بیمارستان‌های کنونی خورشید و سنبلستان، از هر راهی و با هر وسیله‌ای که هست، اگر مقدم بر تمام وظایف شما نباشد، بدون شک در ردیف اول وظایف شما خواهد بود». در خلال کلمات فوق می‌توان درجه‌ی نیاز شهر را به مؤسسات درمانی مجهز و پیشرفته احساس کرد.

### بحث

مدیریت سلامت شهری مقوله‌ی پیچیده‌ای است که ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد. در این میان بیمارستان‌ها و ایستگاه‌های درمانی جزئی بزرگ و پرهزینه، اما مهم از این فرایند هستند. بیمارستان‌ها مکان‌های تفریحی نیستند که فقدانشان آن چنان زندگی مردم را تحت تأثیر قرار ندهد. بیمارستان با مرگ و زندگی مردم سر و کار دارد. پس باید همیشه به روز و در حال ارتقا وجود داشته باشند. بنابراین حساسیت و توجه به امور آن‌ها نشانه‌ی التفات به زندگی و شادابی مردمان شهر است. از سوی دیگر در طی سال‌های مورد مطالعه‌ی این پژوهش، به خاطر سوددهی کم و هزینه‌ی زیاد، بخش خصوصی تمایل زیادی به برپایی بیمارستان نداشت. بخش دولتی نیز به طور معمول فاقد بودجه‌ی کافی و مدیریت مطلوب بود. به همین خاطر هیأت‌های مذهبی و شهرداری‌ها (به عنوان بخش نیمه خصوصی) وارد عمل شده و اقدام به برپایی چنین مؤسساتی می‌نمودند. با این همه تنها بخشی از نیازهای شهری مثل اصفهان در طی سال‌های مورد مطالعه برآورده شده و همیشه تمایل و درخواست برای ارتقای مؤسسات موجود راه‌اندازی بیمارستان‌های جدید وجود داشت.

این مقاله نشان داد، در شرایطی که بنیه‌ی مالی دولت‌ها و شهرداری‌ها ضعیف باشد یا جامعه به چنان رشدی نرسیده باشد که به اهمیت مؤسسه‌ای مثل بیمارستان پی ببرد، نقش مطبوعات و آگاهان جامعه چه قدر اساسی و مهم می‌باشد.

از آغاز سال ۱۳۲۱ زایشگاه کازرونی مجهز به تخت بیمارستانی و تجهیزات مخصوص پذیرش بیمار شبانه گردید. امروزه این مؤسسه‌ی درمانی دیگر برقرار نیست. گویا در دهه‌ی ۳۰ شمسی به دلیل بدهی‌های مالیاتی خاندان کازرونی، این بیمارستان به سازمان تأمین اجتماعی انتقال یافت و تا مدت‌ها نیز آن جا محل درمانگاه و اداره‌ی آن سازمان بود.

### امور درمانی شهر به وزارت داخله محول شد

یک سال به عقب بر می‌گردیم. در این زمان (خرداد ۱۳۲۰ شمسی / مه ۱۹۴۱ میلادی) تحول بزرگی در مدیریت درمانی شهر به وقوع پیوست. امور درمانی شهر از دوش بلدیة برداشته شده و به عهده‌ی اداره‌ی بهداشتی وزارت کشور گذاشته شد. ناگفته پیداست که امور بهداشتی شهر هم چنان با بلدیة بود.

### اوضاع بیمارستان‌های شهر و انتظارات مردم در

#### سال ۱۳۲۰

در ۱۸ دی ماه ۱۳۲۰ حدود چهار ماه از رفتن رضاشاه و فروپاشی هیئت دولت او گذشته بود. بنابراین روزنامه‌ی اخگر با لحن تندتری به فرماندار وقت اصفهان (آقای اردلان) لزوم تکمیل پروژه‌های بیمارستانی و ساماندهی اوضاع درمانی شهر را یادآور شده و توصیه کرد، در فکر برپایی یک زایشگاه و تکمیل بیمارستان یک صد تخت خوابی باشد:

«سه سال قبل نوید تأسیس یک بیمارستان یک صد تخت خوابی را به ما دادند و ما هم در صفحات اخگر با هزاران سلام و صلوات چندین مقاله در اطراف اهمیت این عمل درج کردیم، ولی متأسفانه آن همه هیاهوی اولیای امور وقت و روزنامه‌نویس‌های اصفهانی به جایی نرسیده و با آن همه وعده و نویدها فقط پی و شالوده‌ی این عمارت آبرومند، آن هم در سایه‌ی همت یک شهردار ناکام، ریخته شده و اتمام آن یا بر اثر مناقشات رؤسای محلی یا بی‌حالی اولیای امور مرکزی یا هر چیز دیگری به عهده‌ی تأخیر افتاده، بدو متوقف ماند و سپس به کلی فراموش شد».

خوشبختانه در دهه‌های بعد، به واسطه‌ی همیاری و مشارکت مردمی و نیز به واسطه‌ی برپایی «دانشگاه علوم پزشکی اصفهان» که برای دانشکده‌ی پزشکی خود بیمارستان‌های آموزشی مجهز می‌خواست، از سوی دیگر به این دلیل که کارخانه‌های متعدد این شهر برای کارگانشان مؤسسات درمانی مخصوص نیاز داشتند، چندین بیمارستان مجهز و معظم در اصفهان بر پا گردید که بیمارستان بزرگ «الزهرا» مربوط به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و بیمارستان «دکتر شریعتی» مربوط به سازمان تأمین اجتماعی بر تارک آن‌ها قرار دارند.

مطبوعات در واقع زبان مردم بوده و می‌توان از قلم آن‌ها به واقعیاتی رسید که در آمارها و گزارش‌های رسمی قابل دسترسی نیستند. همچنین مشخص شد که پایه‌گذاری مؤسسه‌ای مثل بیمارستان با چه مشکلاتی همراه بوده است. برای نمونه در شهر اصفهان چه قدر دولت‌ها و چه قدر مردم (بخش خصوصی و نیمه خصوصی) در برپایی مؤسسات مذکور نقش داشتند؟ مدیریت کلان شهری در این میان چه می‌کرد؟ این تلاش‌ها تا چه حد انتظارات جامعه‌ی مخاطب را برآورده کرده بود؟ سرانجام دریافتیم هر کدام از بیمارستان‌های شهر اصفهان چه تاریخچه‌ای در پشت سر خود دارند.

## References

1. Bonakdar M, Dehghan Nayeri L. A Survey on Isfahan's health system (1925-1941). *Iran J Med Ethics Hist Med* 2011; 4(3): 9-25. [In Persian].
2. Rajaei M. Urban changes and management of Isfahan in the Pahlavi period, Iran. Isfahan, Iran: Publications Recreational and Cultural Organization of the Municipality; 2007. p. 531-600. [In Persian].
3. Jenab MS. Al Esfahan. Isfahan, Iran: Golha Publication; 1992. p. 107. [In Persian].
4. Chelongar M. The Iranian Sacred Association Newspaper. Isfahan, Iran: The University of Isfahan; 2008. p. 136. [In Persian].
5. Rajaei M. Isfahan from Constitutional Revolution to the first world war. Isfahan, Iran: The University of Isfahan; 2007. p. 194, 343. [In Persian].
6. Chelongar M. Isfahan's journal at constitution period. Isfahan, Iran: Recreational and cultural organization of Isfahan; 2008. p. 269. [In Persian].
7. Mirza Saleh GH. Proceeding of the first Parlimentaent. Tehran, Iran: Maziar Publication; 2005. p. 304-412. [In Persian].
8. Law collection (constitutional parliament 4<sup>th</sup> to 15<sup>th</sup>). Tehran, Iran: Majles Publicaton; 2012. p. 218-25. [In Persian].
9. Kasiri M, Salek N, Dadkhah A. Isfahan's medical history. Isfahan, Iran: Isfahan University of Medical Sciences; 2009. p. 145.
10. Adib A. Report from measures of Medical and Pharmacy Faculty (administrative report). Isfahan, Iran: Isfahan University of Medical Sciences Publication; 1965. p. 36. [In Persian].
11. Anvari H. Guide book of Isfahan Medical and Pharmacy Faculty. Isfahan, Iran: School of Medicine and Pharmacy; 1966. p. 130. [In Persian].
12. Adib A. From Primary School to University. Isfahan, Iran: Isfahan University of Medical Sciences; 2005. p. 279. [In Persian].
13. Nafisi M, Nafisi N. Pulse of life. Tehran, Iran: Naghsh Khorshid Publication; 2000. p. 111, 145. [In Persian].
14. Mahdavi SM. History of Isfaha's Takht foolad. Tehran, Iran: Publication of the Association of Public Libraries; 1991. p. 214. [In Persian].
15. Minasian L. Armanan's history of Jolfa at 140 year. Tehran, Iran: Golbon Publication; 2003. p. 80.
16. Ozhand H. Soraya Pahlavi hospital. Isfahan, Iran: Isfahan University of Medical Sciences Publication; 1957. p. 15. [In Persian].

## Isfahan (, Iran) Urban Health Management with Emphasis on Hospitals from the Local Press View

*Abdolmahdi Rajaei<sup>1</sup>; Morteza Nouraei, PhD<sup>2</sup>; Loghman Dehghan Nayyeri, PhD<sup>2</sup>*

### Abstract

One of the most important institutions of a city is hospital as it is directly involved with life of the citizens. This review article aimed to study the circumstance of establishing newer hospitals in Isfahan city, Iran, which was started in late Qajar Dynasty era with a pause during the constitutional era and was extended to Reza Shah Pahlavi in its modern form. The main references for this study were the reports of local newspapers and press. It is obvious that these types of resources would shed light on the real healthcare situation dominated on the life of the citizens. This is partly due to the official reports which may not contain the real city dweller's opinions. On the other hand, the audience cycle of the newspapers that covered the majority of the ordinary people's views seems more advantageous rather than merely referring to the bureaucratic documents and reports by the administrative authorities view. This article will also show that since the constitutional era, 1906 to 1941, six hospitals have been established in Isfahan, either by local government or non-governmental charities (municipalities and religious delegations). The role of the governmental authority in this regard was mainly support and encouragement. The urban renewal system, enhanced health situation in the reign of Reza Shah Pahlavi and the partnership between private sectors, semi-private sectors and government caused to meet demand for hospitals in Isfahan during that period.

**Keywords:** Health Management; Hospitals; Newspapers

**Type of article:** Review Article

*Received: 30 May, 2011*

*Accepted: 6 May, 2012*

**Citation:** Rajaei A, Nouraei M, Dehghan Nayyeri L. **Isfahan (, Iran) Urban Health Management with Emphasis on Hospitals from the Local Press View.** Health Information Management 2012; 9(4): 580-93.

---

1- PhD Student, History, School of Literature and Humanities, The University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author) Email: m1350323@yahoo.com

2- Associate Professor, History, School of Literature and Humanities, The University of Isfahan, Isfahan, Iran